

اقتباس‌ها و سرقات دیگران از انوری

حسن بساک^۱ (نویسنده مسئول)

محسن شریفی صهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲۰

Adaptation and Plagiarism from Anvari's Poems

Mohsen Sharifi Sahi¹
Hassan Bassak²

چکیده

پایبندی به اصول سخنوری و متعهدبودن به قوانین اخلاقی در ادب فارسی همواره حائز اهمیت فراوان بوده است به طوری که در اغلب کتب بلاغی و ادبی، مبحثی با عنوان سرقات به چشم می‌خورد. کپی‌رایت یا قانون حقوق مؤلف در دنیای امروز به نوعی یادآور نقادی موشکافانه بزرگان ادب در باب سرقات ادبی است. انوری که از بزرگان شعر و ادب فارسی است و در بیشتر قوالب شعری طبع آزمایی کرده است، توجه شاعران بسیاری را به خود جلب کرده است. بزرگانی چون عطار، مولوی، سعدی، خاقانی و... بارها به استقبال اشعار او رفته و ابیاتی را نیز تضمین کرده‌اند. شاعرانی که پس از وی به شاعری پرداخته‌اند خود را از او بی‌نیاز ندیده‌اند و با دردست داشتن دیوان اشعارش به تقلید از او پرداخته و گاه نتوانسته‌اند خود را از زیر سایه او خارج کنند، تاجایی که گاه به طرق نامطلوبی از اشعار او بهره برده‌اند.

در این جستار و با بررسی‌های دقیق، ابیات و اشعاری را از انوری در دیوان بعضی شاعران یافته‌ایم که شائبه سرقت آنها به صورت انتحال، اغاره و سلخ بسیار محکم و مستدل وجود دارد. در این مقاله علاوه بر نشان دادن این‌گونه سرقات، به طور خاص انتحال شعری از انوری که در دیوان رهی معیری شاعر معاصر به چشم می‌خورد معرفی شده است. همچنین ابیاتی که سیف فرغانی از انوری سرقت کرده در این مقاله مورد بررسی دقیق قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: انوری، سرقت ادبی، انتحال، اغاره، سلخ، اقتباس، تضمین، سیف فرغانی، رهی معیری.

Abstract

Adherence to the principles of eloquence and commitment to the moral principles in Persian literature has always been of great significance; It is so important that in most rhetorical and literary works, there can be seen some chapters under the title of plagiarism. Copyright or the right of the author in modern life, is somehow reminder of narrow criticism of great literary scholars regarding Plagiarism. Anvari, who is one of the great features in Persian literature and had shown his talent in most poetic styles, has attracted the attention of a large number of poets. Great poets like Attar, Molavi, Saadi, Khaghani and others have repeatedly literary imitated his poems and borrowed some verses. The poets who started composing poems after him, also did not see themselves needless of his poems and having his Divan in their hands, tried to imitate him. Sometimes they were not able to get out of his shadow on their poems. This is to the extent that sometimes they took profit of his poems in unfavorable ways.

By careful and diligent studies in this paper, we have found some verses and poems of Anvari in some poets Divans with very strong and documented evidences of Plagiarism in the form of Direct, Modified and surface-modified Plagiarism. While indicating these types of Plagiarism, specifically the direct Plagiarizing, and as an example we refer to one of Anvari's poems seen in the Rahi Moayyeri's, one of contemporary poet's Divan. Some verses Plagiarized from Anvari by Seif Farghani have also been carefully studied in this paper.

Keywords: Anvari, Plagiarism, Direct Plagiarism, Modified Plagiarism and Surface-modified Plagiarism, Adaptation, Borrowing, Seif Farghani, Rahi Moayyeri

1. M.A Persian language and literature. Payame noor university. Iran

2. Assistant Professor, Payame Noor University, Iran Persian Language and Literature Dept.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور مشهد. پست الکترونیک: bassak@pnu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور مشهد. پست الکترونیک: mohsen.sharifi66@yahoo.com

مقدمه

انوری از شاعران طراز اول ایرانی در قرن ششم هجری است که شاعران بزرگی ریزه‌خوار خوان شعر وی بوده‌اند. به گفته عوفی در علم منطق و هیأت افلاک و دقایق نجوم سرآمد امثال و اقران بوده‌است. (عوفی، ۱۳۶۱: ۱۲۵) دولت‌شاه سمرقندی نیز در دانشمندی و انواع فضایل، کمتر کسی را همتای انوری دانسته و اوصاف سخنوری او را اظهر من الشمس خوانده‌است. (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۸۳) صحیح‌ترین تاریخ درگذشت او را سال ۵۸۳ ذکر کرده‌اند. (فروزانفر، ۱۳۶۹: ۳۴۲)

جامی از قول یکی از شعرا، انوری را در شمار پیامبران شعر فارسی و هم‌طراز با فردوسی و سعدی آورده است:

در شعر سه تن پیامبرانند
هر چند که لانی بعدی
توصیف و قصیده و غزل را
فردوسی و انوری و سعدی

(جامی، ۱۳۶۷: ۱۵۰)

هر چند از گفتار جامی برمی‌آید که انوری به‌خاطر قصاید با شکوه خود و اشتها آن‌ها نزد ادبا و عامه مردم نام‌بردار گشته است، نمی‌توان از تأثیرگذاری غزلیات و قطعات او بر شاعران دیگر غافل شد. شاعران بزرگی چون سعدی، مولانا، عطار، خاقانی و سیف فرغانی... به شیوه‌های گوناگونی از شعر انوری بهره‌مند گشته‌اند. این تأثیرپذیری گاه در حله به استقبال رفتن شعری از او خلاصه می‌شود و گاهی شعرا مصوع و یابیتی از شعر او را در شعر خود اقتباس کرده‌اند؛ اما در بررسی‌های انجام شده به ابیات و اشعاری از شاعرانی دست یافته‌ایم که به نظر می‌رسد بعضی از آن‌ها را می‌توان در زمره سرقات ادبی از انوری جای داد.

پیشینه تحقیق

آنچه در باب سرقات ادبی به چشم می‌خورد در متونی چون المعجم فی معاییر الاشعار العجم شمس قیس رازی جسته و گریخته به آن پرداخته شده است و حائز اهمیت بسیاری است. اما اگر بخواهیم از جدیدترین پژوهشی که به صورت متمرکز و

مصدیقی با این مسأله مواجه شده‌است نام ببریم، می‌توانیم به مقاله «سرقته ادبی عبدالواسع جبلی از دیوان سنایی» اشاره کنیم که به سرقات عبدالواسع جبلی از شاعر هم‌دوره خود سنایی پرداخته‌است؛ در این مقاله انتقال و اغاره ۲۱ شعر جبلی از سنایی به اثبات رسیده است. (شریفی صحی؛ پورخالقی، ۱۳۹۱: ۱۰۴)

همچنین مقاله «راوندی، انتقال یا اقتباس» که به سرقاتی از محمدا بن علی راوندی پرداخته که در کتاب *راحه الصدور* او به چشم می‌خورد. البته پیش از نوشتن این مقاله نیز راوندی متهم به سرقت و انتقال بوده است. (کمیلی، ۱۳۸۷: ۱۵۱)

در تعاریفی که از انواع سرقات ادبی شده‌است، هر کدام ویژگی‌ها و مشخصاتی دارد که با توجه به درجه آشکار بودن سرقت ادبی تقسیم‌بندی می‌شود. برای گشودن بحث ابتدا به تعاریف ارائه شده از انواع سرقات‌های ادبی می‌پردازیم:

شمس قیس رازی در تقسیم‌بندی چهارگانه خود به سرقات ادبی پرداخته‌است: «او باید دانست کی سرقات شعر چهار نوع است: انتقال و سلخ و المام و نقل». (قیس رازی، ۱۳۳۸: ۴۶۴) سرقات‌های ادبی در فرهنگ ادبیات فارسی به پنج دسته تقسیم شده‌است: نسخ یا انتقال، مسخ یا اغاره، سلخ، المام و نقل. (شریفی، ۱۳۸۷: ۷۹۲)

همایی نیز در یازده بخش سرقات را مورد بحث و بررسی قرار داده‌است: نسخ یا انتقال، مسخ یا اغاره، سلخ یا المام، نقل، شیادی و دغل کاری، حل، عقد، ترجمه، اقتباس، توارد، تتبع و تقلید. (همایی، ۱۳۶۸: ۳۵۷) همایی پنج مورد اول را ارکان اصلی سرقات ادبی و بقیه را از فروع آن‌ها دانسته است. آن‌چه در این مقاله در باب سرقات در پی خواهد آمد ناظر بر سه نوع اول سرقات و واضح‌ترین و بارزترین نوع آن یعنی انتقال، اغاره و سلخ است.

تصرف بی‌کم‌وکاست شعر و نوشته دیگران در لفظ و معنا، به نحوی که هیچ تصرفی در آن صورت نپذیرد، نسخ یا انتقال نامیده شده است. در این گونه سرقت، تغییرات سارق ادبی تنها محدود به حذف نام و تخلص نویسنده یا شاعر است. (همان: ۳۵۸) اما اگر کسی که سرقت ادبی می‌کند، لفظ و معنا را بردارد

در تقسیم‌بندی سه گانه زیر که شرح آن خواهد گذشت به انواع تأثیر پذیری شاعران از شعر انوری پرداخته شده است:

الف) اقتباس و تضمین

ب) اقتباس و تضمین همراه با سرقت ادبی

ج) سرقت ادبی (انتحال)

الف) اقتباس و تضمین: «در اصطلاح اهل ادب آن است که حدیثی یا آیتی از کلام الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال؛ و هرگاه در گرفتن اثری از نظم و نثر شعرا و نویسندگان، قرینه و قصد اقتباس در کار نباشد، محلّ تهمت سرقت است.» (همایی، ۱۳۶۸: ۳۸۴)

هدف از ایجاد دسته اول نشان دادن تأثیرگذاری اشعار انوری در شعر شاعرانی بزرگ به صورت اقتباس و تضمین است. برای رعایت ایجاز و پرهیز از طولانی شدن مطالب در دسته اول، فقط به ذکر نمونه های محدودی از ابیات انوری و ذکر نام شاعرانی که آنها را در شعر خود تضمین کرده‌اند و توضیحی مختصر بسنده می‌کنیم.

۱. در نمونه زیر، مولوی برای سرودن غزل خود به استقبال وزن، قافیه و ساختار غزلی از انوری رفته که مطلع آن به شرح زیر است:

جرمی ندارم بیش از این کز جان وفادارم تو را

ور قصد آزارم کنی هرگز نیازم تو را

(انوری، ۱۳۷۶: ۷۶۵)

جرمی ندارم بیش از این کز دل هوادارم تو را

از زعفران روی من رو می‌بگردانی چرا

(مولوی، ۱۳۸۳: ۸)

۲. انوری غزلی با مطلع زیر دارد که عطار و مولوی مضاف بر این که وزن و قافیه و ساختار آن را استقبال کرده‌اند، مصراع‌ی از آن را نیز تضمین نموده‌اند:

اگر نقش رخت بر جان ندارم

به زلف کافرت ایمان ندارم

(انوری، ۱۳۷۶: ۸۸۰)

و با پس و پیش کردن واژگان، مبادرت به تصرف شعر و نوشته دیگری کند، کار او در دسته‌ای از سرقات جای می‌گیرد که مسخ یا اغاره نامیده می‌شود. (همایی، ۱۳۶۸: ۳۶۱)

می‌توان این‌گونه سارقان ادبی را که به دو شیوه بالا یعنی انتحال و اغاره، متوسل می‌شوند کم‌مایه‌ترین شاعران و سارقان ادبی نامید؛ زیرا تغییرات به اندازه‌ای محدود است که هیچ تلاشی از سوی سارق ادبی برای از بین بردن آثار سرقت مشاهده نمی‌شود.

در واقع شاعر سارق، در این دو گونه سرقت، از کم‌ترین تلاش‌ها نیز برای گمراه کردن مخاطب استفاده نمی‌کند؛ شاید بهترین توجیه کار این سارقان، فاصله زمانی دور از شاعر مورد- نظر آنها باشد؛ همان‌گونه که رهی معیری با فاصله زمانی بسیار از انوری شعر او را انتحال کرده است که در قسمت پایانی این نوشتار به آن پرداخته خواهد شد. یادآوری می‌شود این گونه از سرقت در میان شاعران هم دوره نیز مشاهده شده است. (۱)

سومین نوع سرقت ادبی که در این مقاله بررسی می‌شود سلخ یا المام نام دارد که سارق ادبی، ایده و مضمون نوشته‌ای را از شاعر یا نویسنده‌ای برداشت می‌کند و بدون تغییر در مضمون آن را به شیوه‌ای دیگر بیان می‌کند. اما «هرگاه شاعر دوم مضمون گفته گوینده قبل را بهتر از او پرورانده باشد مشمول سرقت نیست.» (همان: ۳۶۳-۳۶۵)

تفتازانی در شرحی که بر کتاب *تلخیص المفتاح* خطیب قزوینی نوشته بحثی تحت عنوان «فی السرقات الشعریه و ما يتصل بها و غیر ذلک» دارد که به تفصیل به سرقات پرداخته است. (تفتازانی، ۱۳۶۹: ۲۱۹) نظرات همایی نیز حاصل تلفیق آراء محققان ایرانی و عرب است. او علاوه بر استفاده از نظرات شمس قیس رازی به تلخیص المفتاح قزوینی و مطول و شرح المختصر تفتازانی نیز پرداخته و نظراتی که در باب سرقات و انواع آن ذکر شد، حاصل نظرات دانشمندان ایرانی و عرب در طی سده‌های گذشته و امروز است.

چگونه می‌توان موارد شبیه به هم را سرقت ادبی قلمداد کرد؟ آیا شخصی چون کاتب در شکل‌گیری این سرقات نقش داشته است؟

ب) اقتباس و تضمین همراه با سرقت ادبی:

در این دسته، اشعار شاعرانی بررسی شده‌است که بیت یا مصراع‌ی از شعر انوری در شعر آن‌ها وارد شده است و در نگاه نخست ظنّ اقتباس آن می‌رود؛ اما با بررسی ابیات دیگر همان شعر، شائبه سرقت ابیات و مصراع‌ی از انوری در شعر آنها به وجود می‌آید؛ به صورتی که حتی ظنّ سرقت آن مصراع و ابیاتی که در نگاه اول اقتباس به نظر می‌رسید بیش از اقتباس تقویت می‌شود. در این دسته به بررسی یک شعر از سیف فرغانی و دو شعر از مولوی می‌پردازیم:

۱. بیت زیر مطلع غزلی هشت بیتی از انوری است:

حسن تو بر ماه لشکر می کشد

عشق تو بر عقل خنجر می کشد

(انوری، ۱۳۷۶: ۸۲۱)

بیت بالا بدون هیچ تغییری، مطلع غزلی از سیف فرغانی قرار گرفته‌است. (فرغانی، ۱۳۶۴: ۲۸۰) تا به این‌جا با اقتباس دو مصراع مطلع انوری در شعر سیف روبه‌رو هستیم؛ اما شواهد دیگری نشان می‌دهد که تأثیر پذیری سیف از شعر انوری فقط به اقتباس دو مصراع مذکور ختم نشده‌است؛ انوری در بیت سوم همین غزل - که مطلع آن ذکر شد - بیت زیر را سروده است:

دست عشقت هر که را دامن گرفت

دامن از هر دو جهان در می‌کشد

(انوری، ۱۳۷۶: ۸۲۲)

تأثیر بیت مذکور از انوری با تغییراتی در واژگان که البته باعث تغییر معنایی نشده‌است در بیت سوم سیف دیده می‌شود؛ به صورتی که به نظر می‌رسد سیف در بیت سوم غزل خود، بیت بالا را سرقت کرده است:

هر که را عشقت گریبان گیر شد

از دو عالم دامن اندر می‌کشد

(فرغانی، ۱۳۶۴: ۲۸۰)

از دیگر ابیاتی که سیف از انوری سرقت کرده‌است بیت پنجم غزل او است که با توجه به بیت چهارم انوری سروده شده است:

اگر عشقت به جای جان ندارم

به زلف کافرت ایمان ندارم

(عطّار، ۱۳۷۴: ۴۲۹)

اگر عشقت به جای جان ندارم

به زلف کافرت ایمان ندارم

(مولوی، ۱۳۸۳: ۵۳۰)

۳. غزل دیگری از انوری با مطلع زیر موجود است که وزن و قافیه و ساختار آن در غزلی از مولوی و سیف فرغانی استقبال شده و مصراع اول آن در شعر سیف به صورت کامل و در شعر مولوی نیمی از آن تضمین شده‌است:

ای دوست تر از جانم زین بیش مرانجام

مگذر ز وفاداری مگذار برین سانم

(انوری، ۱۳۷۶: ۸۸۶)

ای دوست تر از جانم زین بیش مرانجام

گر زخم زنی شاید بر دیده گریانم

(فرغانی، ۱۳۶۴: ۴۲۱)

پیش آی دمی جانم زین بیش مرانجام

ای دلبر خندانم آهسته که سر مستم

(مولوی، ۱۳۸۳: ۵۳۰)

۴. وزن، قافیه و ساختار غزل دیگری از انوری را، خاقانی و اوحدی مراغه‌ای استقبال کرده‌اند؛ علاوه بر این خاقانی بیت مطلع آن را و اوحدی مصراع اول آن را تضمین کرده‌اند:

عشق تو قضای آسمان است

وصل تو بقای جاودان است

(انوری، ۱۳۷۶: ۷۸۳)

عشق تو قضای آسمانی است

وصل تو بقای جاودانی است

(خاقانی، ۱۳۷۴: ۵۶۶)

عشق تو قضای آسمانی است

کس را گذر از قضا نباشد

(اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۴۰: ۱۱۱)

ابیات چهارم و نهم انوری نیز با شباهت‌هایی در لفظ و معنا در غزل مولوی به چشم می‌خورد؛ بیت چهارم انوری و بیت دوم مولوی تقریباً یکسان و به شرح زیر آمده‌اند:

زحمت سرمای سرد از ماه دی
بر امید نوبهاری می‌کشم

(انوری، ۱۳۷۶: ۸۸۵)

زحمت سرما و برف ماه دی
بر امید نوبهاری می‌کشم

(مولوی، ۱۳۸۳: ۵۸۱)

آخرین بیت که نهمین بیت غزل انوری است نیز با ساختار معنایی مشابه و اندکی تغییر در واژگان در بیت یازدهم غزل مولوی آمده است؛ به نحوی که کاملاً مشخص است مولانا به غزل انوری چشم داشته‌است؛ در هردو مصراع معشوق، شاعر عاشق را مخاطب قرار می‌دهد و از او می‌پرسد که آیا غم عشق او را می‌کشد یا نه؟ پاسخ عاشق نیز در هر دو بیت یکسان است.

تو مرا گویی کشیدی درد و غم
من چه می‌گویم که آری می‌کشم

(انوری، ۱۳۷۶: ۸۸۵)

گفت ای غم تا قیامت می‌کشی
می‌کشم ای دوست آری می‌کشم

(مولوی، ۱۳۸۳: ۵۸۱)

۳. انوری قطعه‌ای دو بیتی دارد که در هشت نسخه خطی از جمله نسخه ل - ۷۰۶ ه. ق - که مدرس در تصحیح دیوان انوری از آن بهره برده‌است موجود است:

ندارد مجلس ما بی تو نوری
اگر چه نیست مجلس در خور تو
چه فرمایی چه گویی مصلحت چیست
تو آیی نزد ما یا ما بر تو

(انوری، ۱۳۷۶: ۷۲۵)

به نظر می‌رسد مولوی دو بیت اول غزل هفت بیتی خود را با پیش چشم داشتن قطعه دو بیتی انوری سروده‌است: ندارد مجلس ما بی تو نوری

از بر تو گر غمیم آرد رسول
جان به صد شادیش در بر می‌کشد

(انوری، ۱۳۷۶: ۸۲۲)

بر سر کویت ز عزت آفتاب
خاک را چون سایه در بر می‌کشد

(فرغانی، ۱۳۶۴: ۲۸۰)

وقتی اقتباس بیت یا مصراع‌ی از یک شعر با سرقت ابیات و مصراع‌ی از همان شعر همراه می‌شود دیگر نمی‌توان حکم به تضمین و اقتباس داد؛ بلکه می‌توان گفت همان بیت و مصراع مقتبس نیز در زمره سرقات جای می‌گیرد. همین امر، جایی برای شبهه اشتباه ناسخان باقی نمی‌گذارد. با تعاریفی که از انتحال و اغاره آمده است، بیت اول انتحال و بیت دوم اغاره شده است و بیت سوم نیز مشمول سلخ شده است.

۲. در دسته اول به اقتباس‌ها و تأثیرگذاری ابیات انوری در شعر مولوی اشاره شده‌است؛ با بررسی‌های صورت گرفته ابیات و مصراع‌های یکسان در دو غزل انوری و مولوی به چشم می‌خورد که به شرح آن می‌پردازیم. بیت اول و سوم غزلی از انوری _ که در قدیمی‌ترین نسخه‌ای که مدرس از دیوان وی در دست داشته موجود است _ در دیوان او به صورت زیر ثبت شده است:

نو به نو هر روز باری می‌کشم
بار نبود چون ز یاری می‌کشم
گر بلایش می‌کشم عیبم مکن
کین بلا آخر به کاری می‌کشم

(انوری، ۱۳۷۶: ۸۸۵)

در غزلیات شمس، غزلی از مولوی موجود است که مطلع آن ترکیبی از دو بیت مذکور از انوری است؛ مصراع اول آن با اولین مصراع بیت اول انوری یکسان است و مصراع دوم آن با اختلافی اندک در واژگان، از مصراع دوم از بیت سوم انوری ساخته شده است:

نو به نو هر روز باری می‌کشم
وین بلا از بهر کاری می‌کشم

(مولوی، ۱۳۸۳: ۵۸۱)

که مجلس بی تو باشد هم چو گوری
بیایی یا بدان سومان بخوانی
ز فضلت این کرامت نیست دوری

(مولوی، ۱۳۸۳: ۹۵۵)

مولوی اولین مصراع قطعهٔ دوبیتی انوری را عیناً در بیت اول تکرار کرده و مضمون آن قطعه را در دو بیت اول غزل خود جای داده‌است. با تمام این اوصاف نسبت سرقت ادبی به مولوی، که بر خلاف بسیاری از شاعران بزرگ و کوچک، هیچ‌گاه داعیهٔ شاعری نداشته است دور از انصاف است؛ زیرا «هیچ بعید نیست که دو شاعر هم زمان که اهل دو شهر نزدیک به هم باشند در بسیاری از معانی با یکدیگر اتفاق پیداکنند.» (آمدی، ۱۴۱۰: ۴۵) و به قول دیگری: «چون قومی از یک قبیله و یک سرزمین باشند، خاطره‌ها و یادشان نزدیک به هم خواهد بود.» (ابوهلال عسگری، ۱۳۷۱: ۲۳۱) بهترین توجیهی که می‌توان ارائه کرد این است که مولوی دیوان و اشعار انوری را خوانده و ابیات و مضامینی از شعر او در حافظهٔ مولوی ثبت شده است و در سرودن اشعار خود بدون هیچ چشم‌داشتی به شعر انوری، ناخودآگاه آن‌ها را در شعر خود به کار برده است.

ج) سرقت ادبی = انتحال:

۱. غزلی هفت بیتی در تصحیح‌های نفیسی و مدرّس رضوی بر دیوان انوری وجود دارد که رهی معیّری با کم کردن دو بیت از غزل انوری، آن را کاملاً انتحال کرده‌است؛ در ترتیب ابیات غزل هفت بیتی انوری در دو چاپ یاد شده چنانچه جایی وجود دارد؛ به نظر می‌رسد رهی معیّری به چاپ مدرّس رضوی دست‌رسی داشته‌است؛ زیرا هم ترتیب و توالی ابیات غزلی که انتحال کرده چون غزل انوری در چاپ مدرّس‌است و هم اختلاف‌های جزئی که در چاپ نفیسی موجود است در آن به چشم نمی‌خورد. غزل مورد نظر در هفت نسخه از نسخی که مدرّس از آن‌ها در تصحیح دیوان انوری بهره برده واردشده- است؛ از جمله در نسخهٔ ل که نسخهٔ اساس و قدیمی‌ترین نسخه‌ای است - ۷۰۸ هجری قمری - که مدرّس در دست داشته‌است؛ غزل بالا در نسخهٔ ع که در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم کتابت شده نیز موجود است. با توجه به این

که چاپ اول تصحیح مدرّس بر دیوان انوری در سال ۱۳۴۰ منتشر شده است و رهی در سال ۱۳۴۷ درگذشته است می‌توان با قطعیت گفت رهی تصحیح مدرّس را یا نسخه‌های او را در دسترس داشته‌است زیرا همان‌گونه که قبل از این اشاره شد غزل مورد نظر در دیوان رهی، بدون تغییرات واژگان در تصحیح نفیسی و مشابه با واژگان و آرایش ابیات در تصحیح مدرّس آمده است. فاصلهٔ چند قرنی انوری و رهی معیّری هیچ شک و شبهه‌ای دربارهٔ اشتباه یا دخالت ناسخان به وجود نمی‌آورد.

غزل مورد نظر در دو تصحیح دیوان انوری به شرح زیر است:

عجب عجب که تو را یاد دوستان آمد
در آ در آ که ز تو کار مین به جان آمد
میر مبر خور و خوابم ز داغ هجران بیش
مکن مکن که غمت سود و دل زیان آمد
مزن مزن پس از این در دل آتشم که ز تو
بسا بسا که بدین خسته دل غمان آمد
چه می‌کنی به چه مشغولی و چه می‌طلبی
چه گفتمت چه شنیدی و چه گمان آمد
مکن تکبر و بهر خدای راست بگو
که تا حدیث منت هیچ در زبان آمد
چنان که بود گمان رهی ز بد عهدی
به عاقبت همه عهد تو همچنان آمد
کرانه کردی از من تو خود ندانستی
که دل ز عشق تو یک باره در میان آمد

(نفیسی، ۱۳۳۷: ۵۱۷-۵۱۸)

غزل مورد نظر در تصحیح مدرّس رضوی به شرح زیر است که در ابیات یک، چهار و شش آن، در قیاس یا تصحیح نفیسی اختلافی جزئی در حد حرف و کلمه وجود دارد:

عجب عجب که تو را یاد دوستان آمد
در آ در آ که ز تو کار ما به جان آمد
میر مبر خور و خوابم ز داغ هجران بیش
مکن مکن که غمت سود و دل زیان آمد
چه می‌کنی به چه مشغولی و چه می‌طلبی

در فاصله نزدیک پس از مرگ انوری، سیف فرغانی شعری از او را سرقت کرده است و رهی معیری با فاصله چند قرن غزل ۵ بیتی خود را از روی غزل ۷ بیتی انوری ساخته است.

یادآوری می‌گردد که شعر انوری توجه شاعران بزرگی نظیر مولوی را نیز به خود جلب کرده است. هر چند که دو شعر از مولوی نیز در زمره سرقات مورد بررسی قرار گرفت، اما به حق و حتی بدون در نظر گرفتن مقام شامخ علمی، عرفانی و ادبی او، به دور از تعصب نیز ساحت مولانا جلال‌الدین بلخی از سرقت ادبی به دور است و همان‌گونه که در متن نیز به آن اشاره شده است، به احتمال قریب به یقین، خراسانی بودن دو شاعر مفاهیم و مضامین یکسانی را در اختیار آن‌ها قرار داده که هر کدام شیوه‌ای برای سرایش یک مضمون برگزیده‌اند و همین امر به تردید نویسندگان در باب سرقت مولانا از انوری انجامیده است.

هدف از نگارش این مقاله و بحث از سرقات ادبی به صورت مصداقی - که از شاخه‌های بسیار مهم نقد ادبی است - برداشتن قدمی کوچک در حراست و پاسداری از گنجینه ارزشمند میراث ذوق و اندیشه گذشتگان و بزرگان ادبیات فارسی بوده است که در اعتلای فرهنگ و ادب این سرزمین، گام‌های بزرگی برداشته‌اند.

یادداشت‌ها

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره تعاریف انواع سرقات و بحث مصداقی در باب سرقت ادبی رک: شریفی صحی، محسن؛ پورخالقی، مهدخت ۱۳۹۰. «سرقت ادبی عبدالواسع جبلی از دیوان سنایی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۴۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰.

منابع

آمدی تیمی، عبدالواحد (۱۴۱۰). *غررالحکم و دررالحکم*. تصحیح سید مهدی رجایی. قم: دارالکتب اسلامی.
ابوهلال عسگری. (۱۳۷۱). *الصناعتین*. تصحیح علی محمد البجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم. مصر.

چه گفتمت چه شنیدی چه در گمان آمد
مزن مزن پس از این در دل آتشم که ز تو
بسا بسا که بدین خسته دل غمان آمد
چنان که بود گمان رهی به بد عهدی
به عاقبت همه عهد تو همچنان آمد
کرانه کردی از من تو خود ندانستی
که دل ز عشق تو یک باره در میان آمد
مکن تکبر و بهر خدای راست بگو
که تا حدیث منت هیچ در زبان آمد

(انوری، ۱۳۷۶: ۸۲۵)

غزل ۵ بیتی رهی که منتحل از غزل انوری است و با غزل انوری در تصحیح مدرس رضوی شباهت کامل دارد به شرح زیر است:

عجب عجب که تو را یاد دوستان آمد
در آ در آ که ز تو کار ما به جان آمد
میر مبر خور و خوابم ز داغ هجران بیش
مکن مکن که غمت سود و دل زیان آمد
چه می‌کنی به چه مشغولی و چه می‌طلبی
چه گفتمت چه شنیدی چه در گمان آمد
مزن مزن پس از این در دل آتشم که ز تو
بسا بسا که بدین خسته دل غمان آمد
چنان که بود گمان رهی به بد عهدی
به عاقبت همه عهد تو همچنان آمد

(معیری، ۱۳۸۵: ۲۰۸)

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی‌های صورت گرفته از میان انبوه شاهدومثال‌ها برای اقتباس و تضمین اشعار انوری در دیوان شاعران مطرح ادبیات، تنها به چند نمونه بسنده شد؛ شاعرانی چون مولوی، سعدی، عطار و خاقانی و... بارها ابیاتی از انوری را تضمین کرده‌اند و به استقبال اشعار وی رفته‌اند. اما آن چه مهم است سرقاتی است که نه تنها در دوران نزدیک به انوری صورت گرفته که در عصر حاضر نیز شاهد سرقت شعر او به وسیله شاعران مطرح معاصر هستیم.

- انوری ابیوردی، اوحدالدین. (۱۳۷۶). دیوان انوری. به کوشش محمد تقی مدرس رضوی. چاپ چهارم. تهران: علمی.
- _____ (۲۵۳۶). دیوان انوری. به کوشش سعید نفیسی. چاپ دوم. تهران: پیروز.
- اوحدی مراغه ای، رکن الدین. (۱۳۴۰). دیوان اوحدی مراغه ای. به اهتمام حمید سعادت. تهران: کاوه.
- تفتازانی، سعدالدین. (۱۳۶۹). شرح المختصر (شرح مختصر المعانی فی المعانی والبیان و البدیع). انتشارات کتبی نجفی. قم: مطبوعه غدیر.
- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۶۷). بهارستان. به تصحیح اسماعیل حاکمی. تهران: اطلاعات.
- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل. (۱۳۷۴). دیوان خاقانی. تصحیح، مقدمه و تعلیق از ضیا الدین سجادی. چاپ پنجم. تهران: زوآر.
- سدیدالدین عوفی، محمد. (۱۳۶۱). تذکره لباب الالباب. به سعی و اهتمام ادوارد براون. ترجمه از انگلیسی محمد عباسی. چاپ اول. کتاب فروشی فخر رازی.
- شریفی، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ ادبیات فارسی. چاپ دوم. تهران: معین.
- شریفی صحی، محسن؛ پورخالقی، مهدخت (زمستان ۱۳۹۰).
- «سرقه ادبی عبدالواسع جبلی از دیوان سنایی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۴۴، شماره ۴. ص ۱۰۴.
- سمرقندی، دولت‌شاه. (۱۳۸۲). تذکره الشعرا. به اتمام و تصحیح ادوارد براون. چاپ اول. تهران: اساطیر.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد. (۱۳۷۴). دیوان عطار. به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی. چاپ هشتم. تهران: علمی.
- فرغانی، سیف الدین محمد. (۱۳۶۴). دیوان سیف فرغانی. با تصحیح و مقدمه ذبیح الله صفا. چاپ دوم. تهران: فردوس.
- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۹). سخن و سخنوران. چاپ چهارم. تهران: خوارزمی.
- قیس رازی، شمس الدین محمد. (۱۳۳۸). المعجم فی معاییر اشعار العجم. به تصحیح محمد قزوینی، با مقابله و تصحیح محمد تقی مدرس رضوی. تهران: چاپ افست رشیدیه.
- معیری، محمد حسن. (۱۳۸۵). دیوان رهی معیری. زیر نظر جمشید عزیزاده. چاپ اول. تهران: آیدین.
- مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۸۳). کلیات دیوان شمس. مطابق نسخه تصحیح شده بدیع الزمان فروزانفر. چاپ سوم. تهران: بهزاد.
- همایی، جلال الدین. (۱۳۶۸). فنون بلاغت و صناعات ادبی. چاپ ششم. تهران: هما.